

مجله پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۶، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۳

جایگاه تفکر اسلامی به نگرش سیستمی در مدیریت*

بهزاد محمدی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بهبهان، گروه معارف اسلامی، بهبهان، ایران

دکتر نصرالله قشقای زاده

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بهبهان، گروه آموزش ابتدایی، بهبهان، ایران

چکیده

هدف این پژوهش بررسی جایگاه تفکر اسلامی به نگرش سیستمی در مدیریت است. روش تحقیق، تحلیلی - اسنادی می باشد. جهت تحقق هدف، هفت سوال بدین صورت ارائه گردید: جایگاه تفکر اسلامی در مدیریت سازمان ها در جوامع اسلامی به چه نحو است؟ مزایا و برتری های تفکر اسلامی در زمینه مدیریت کدامند؟ موانع تفکر اسلامی در زمینه مدیریت کدامند؟ جایگاه نگرش سیستمی در مدیریت سازمان ها در جوامع اسلامی به چه نحو است؟ کاستی ها و نقایص نگرش سیستمی در زمینه مدیریت کدامند؟ مزایا و برتری های نگرش سیستمی در زمینه مدیریت کدامند؟ و چگونه تفکر اسلامی می تواند به رشد و بهبود تفکر سیستمی کمک کند؟

یافته ها نشان داد که تفکر اسلامی با سرچشمه گرفتن از قرآن کریم، سنت پیامبر (ص) و سیره معصومین (ع) در مدیریت فراحسی و فرا عقلی بوده و در ضمن معرفی ابزار و روشهای مدیریتی در واقعیت قابلیت عمل داشته و به صورت اعتدالی به ارتباط بین امور و پدیده ها توجه می نماید. این تفکر جامع و شامل می تواند نقایص نگرش سیستمی به عنوان یکی از کارآمدترین نگرشها در زمینه مدیریت سازمان ها را تعالی بخشد.

واژه های کلیدی

تفکر اسلامی، نگرش سیستمی، مدیریت.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۱۸

مقدمه

شرایط مختلف و نیازهای گوناگون انسان ها در عصر حاضر، باعث ظهور و گسترش روزافزون سازمان ها و موسسات مختلف شده است و ضرورت وجود این سازمان ها در اداره شئون زندگی انسان امروزی، بر هیچ کس پوشیده نیست. بدیهی است که سازمان ها زمانی می توانند در انجام رسالت و رسیدن به اهداف خود موفق شوند که از مدیریتی توانمند و کارآمد برخوردار باشند؛ زیرا، مدیریت مهم ترین عامل تداوم حیات موفق یک سازمان است و نقشی بسیار مهم و حیاتی در رشد، بالندگی و پیشرفت سازمان، بر عهده دارد (حیدری تفرشی، ۱۳۹۰: ۲۰).

اداره سازمان ها به شیوه های علمی روز و متناسب با جهان بینی حاکم بر جامعه در جهت توسعه جامعه و تعالی انسان ها، مستلزم تدقیق در جهان بینی حاکم بر جامعه و شیوه های علمی مدیریتی و هماهنگ نمودن اصول جهان بینی و شیوه های علمی است.

بسیاری از صاحب نظران، موفقیت و شکست سازمان های مختلف را ناشی از تفاوت مدیریت حاکم بر آن سازمان ها می دانند. به زعم حیدری تفرشی (۱۳۸۶) مدیریت، عبارت است از علم، هنر و فن فرایند به کارگیری منابع (انسانی، مالی، فن آوری، اطلاعاتی، ارزشی و زمان) از طریق برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل در یک محیط متغیر در جهت تحقق اهداف سازمان در چارچوب فرهنگ حاکم بر جامعه (حیدری تفرشی: ۱۳۸۶: ۱۰).

علم مدیریت، به دلیل آمیختگی با فرهنگ غربی، کاملاً پاسخگوی نیازهای مدیریتی ممالک اسلامی نیست و با توجه به فرهنگ این کشورها، ضرورت دارد تا با پژوهش بر روی شیوه های از مدیریت که سنخیت با فرهنگ دارد، نیازهای مورد نیاز را برطرف سازد (حیدری تفرشی، ۱۳۸۹).

اصولاً مدیریت در نظام های گوناگون و مختلف جهان همیشه بر مبنای استوار است؛ مسلماً مدیری موفق است که در جهت اهداف مکتبی نظام سیاسی

حاکم بر جامعه در درون سازمان ها قدم بردارد (افجه‌ای، ۱۳۸۸). برای شناخت مدیریت اسلامی، قبل از هر چیز بایستی زیر بنای فکری و فلسفی آن مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا معلوم شود که مسائل و موضوعات مدیریت در اسلام بر چه زیر بنای فکری و فلسفی پی ریزی می گردد و از چه جهان بینی و تفکر معنوی نشأت می یابد (جاسبی، ۱۳۷۸: ۱۵). شیوه های مدیریت و رهبری، تابعی از ارزش های حاکم بر بافت سازنده یک جامعه می باشد. یکی از عوامل درونی تاثیر گذار بر سبک رهبری مدیریت سیستم ارزشی، مدیر است (رضائیان، ۱۳۸۰: ۹)، از همین رو چگونگی ماهیت عناصر تشکیل دهنده در جامعه، خود شیوه خاصی از مدیریت را اقتضا می کند (تولایی، ۱۳۸۶: ۵۳).

آنچه انسان را از سایر موجودات متفاوت می سازد، توانایی اندیشه، تفکر، انتخاب و اختیار اوست و آنچه طی هزاره ها زندگی بشر را متحول ساخت، محصول همین توانایی است. نگرش انسان به خود، طبیعت، هستی، وظیفه و نقشی که در جهان ایفا می کند، زاینده اندیشه است و از آنجا که اندیشیدن را حد و مرزی نیست و اذهان بسیار، افکار بسیار دارند، پس آنچه مسیر و نحوه زندگی انسان را تعیین می کند، به انتخاب و اختیار او صورت می گیرد (مطیعی فر، ۱۳۸۶: ۱۵). نحوه تفکر می تواند تمام جوانب زندگی انسان را تحت تاثیر قرار دهد و یک عامل تاثیر گذار مهم بر فرایند مدیریت، تصمیم گیری و حل مسئله باشد. از ابتدای تاریخ، دو نوع نگرش نسبت به پدیده ها رایج بوده است؛ به کلامی دیگر، دانشمندان و صاحب نظران جوامع، هر پدیده ای را به دو شیوه متفاوت مورد توجه خویش قرار می دادند. این دو نوع نگرش، عبارت بودند از: الف - نگرش تجزیه گرا^۱ یا مکانیستی؛ ب - نگرش کل گرا یا سیستمی^۲. امروزه، تفکر سیستمی به عنوان یکی از مهم ترین تفکرات حاکم بر اداره سازمان ها می باشد.

^۱ . Analytical approach

^۲ . Systems approach

با تأمل بر مطالب گفته شده، در می یابیم که هر سبک یا تفکر مدیریتی نمی تواند در فرهنگ و جوامع مختلف کارساز باشد؛ همچنین با عنایت به تأکیدات مقام معظم رهبری و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در راستای بومی سازی علوم انسانی از جمله مدیریت، به عنوان رشته تأثیر گذار در عرصه های مختلف توسعه، انجام تحقیقی تحت عنوان « جایگاه تفکر اسلامی به نگرش سیستمی در مدیریت» احساس می گردد.

در همین باره محققان سولات ذیل را مطرح کرده اند و جهت پاسخگویی به آنها، ابتدا مبانی دو تفکر در مدیریت بیان و در ادامه به بررسی آن ها پرداخته می شود.

سوالات:

- ۱- جایگاه تفکر اسلامی در مدیریت سازمان ها در جوامع اسلامی به چه نحو است؟
- ۲- مزایا و برتری های تفکر اسلامی در زمینه مدیریت کدامند؟
- ۳- موانع تفکر اسلامی در زمینه مدیریت کدامند؟
- ۴- جایگاه نگرش سیستمی در مدیریت سازمان ها در جوامع اسلامی به چه نحو است؟
- ۵- کاستی ها و نقائص نگرش سیستمی در زمینه مدیریت کدامند؟
- ۶- مزایا و برتری های نگرش سیستمی در زمینه مدیریت کدامند؟
- ۷- چگونه تفکر اسلامی می تواند به رشد و بهبود تفکر سیستمی کمک کند؟

۱- تفکر اسلامی و مدیریت

تفکر اسلامی، جهان را یک کل منسجم، هدفدار و منظم می بیند که در جهت تعالی انسان می باشند و جهان بینی توحیدی ماهیت «از اویی» و به «سوی

اویسی» دارد. منبع جهان بینی اسلامی، قرآن مجید - گنجینه ای گران بها ، احادیث و روایات است.

منبع سرشار کلیه موضوعات و معارف اسلامی، قرآن کریم است. گنجینه ای که نخست هر نکته و نظر اسلامی را باید در آن جست یا بر آن عرضه کرد و در صورت سازگاری با قرآن مجید، بر آن مهر قبول نهاد. پس از قرآن، دومین منبع حقایق اسلامی، سنت پیغمبر اسلام(ص) و معصومین (ع) است که در کنار قرآن به منزله شرح و توسعه کلام خداوند محسوب می گردد. طبعاً برای جستجو و یافتن هر حقیقت اسلامی، باید به سراغ این دو منبع اصلی رفت و نظر اسلام را در آن جویا شد. در کنار این دو منبع، هرگاه سخن از احکام و حقوق اسلامی مطرح می شود، فقهاء از دو مأخذ دیگر نیز یاد می کنند که اجماع و عقل بوده و برای دریافتن احکام دینی و حقوق اسلامی می توان از این دو منبع استمداد جست. موضوع مدیریت اسلامی نیز خارج از این قاعده نیست و برای راه یافتن به آن، ملزم به مراجعه به منابع اصیل اسلامی خواهیم بود (نجاتبخش اصفهانی و شهریاری، ۱۳۸۸).

نظام الهی، نظامی است که ریشه در وحی دارد و سرچشمه آن کتاب الهی، سنت پیامبر و سیره ائمه اطهار است (سرمدی، ۱۳۷۹: ۲۵) و به تعقل به عنوان یک ابزار معتقد است. این مکتب ایدئولوژیک، برای همه ابعاد زندگی انسان طرح و نظر دارد، به جهان یا دنیای بعد از مرگ معتقد است و معیارهای اسلامی بودن در زندگی انسان و فعالیت های او را مشخص ساخته است. مبدأ جهان بینی مدیریت اسلامی، وحی و الهام است که ارزش نظری و عملی دارد (بهارستان، ۱۳۸۳: ۳۱)، معیارهای اسلامی بودن در زندگی انسان و فعالیت های او را مشخص ساخته است، مدیران را برای تجربه و تفحص علمی و بحث و نظر فلسفی باز می گذارد تا بشر بتواند بنیان فلسفی لازم را ارائه دهد و از روش ها و شیوهایی که دستاورد بشر است؛ به منظور کاربرد بهتر آن اصول و قواعد بهره گیرد. در این میان، آنچه

تعیین کننده است و مشخص می کند که کدام روش علمی را می توان بر گزید، همانا معیارها و اصول و قواعد اسلامی در آن بعد خاص از فعالیت های بشری است.

تفکر اسلامی، مخصوص یک معنای تنگ، محدود، سخت و دشوار نیست؛ بلکه از معنای وسیع و فراگیری بحث می کنیم که شامل سمت و سوی همه تلاش ها و تفکرات در چهارچوب و خواسته های اسلامی می شود و آن عبارت است از تکیه بر منابع معین در تفکر که مهم ترین آنها تکیه بر وحی است که کتاب و سنت بیانگر آن است (به عنوان مهم ترین منبع شناخت). اساساً وظیفه وحی پایه گذاری ارزش ها، جهان بینی و بیان آغاز و انجام جهان است که در عین حال از مسئولیت عقل در تفکر صحیح اسلامی نیز غفلت نموده است.

بدین ترتیب، تفکر اسلامی، یک دید کل بینانه از جهان داشته و جهان را یک کل هماهنگ، منسجم و هدفدار می داند که هدف آن تعالی انسان می باشد. جهان بینی اسلامی، اساس هر چیز را در توحید و یگانگی می داند؛ به گونه ای که تمام اسلام را می توان در حقیقت توحید و نفی دوگانگی خلاصه کرد. اسلام که یک دین جامع و کامل الهی است در تمام ابعاد زندگی انسان ها فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی برنامه دارد و از این دین که تمامی علوم به گونه ای استنتاج می گردد، می توان در باب مدیریت نیز از منابع غنی آن مانند قرآن و سنت استفاده نمود.

مدیریت با پسوند اسلامی دارای مفهومی واقعی بوده و از جایگاه والایی نیز برخوردار می باشد (وزیر زنجانی و فروزنده دهکردی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). صفت اسلامی بودن در مدیریت اسلامی، دارای بار ارزشی و دینی است و شامل بیان ارزش ها، اعتقادات و پاسخ به پرسش های مدیریتی است که نمود این صفت اسلامیت، بیشتر هنگام پیاده کردن و در روش اجرای مدیریت قابل لمس است (گودرزی، ۱۳۷۸).

مدیریت، در ترکیب با اسلام خصوصیتی می یابد، که با دیگر ویژگی های مدیریت متفاوت است. برای بررسی انطباق پذیری دیدگاه های اسلامی بر مفاهیمی چون مدیریت باید به پیشینه و سیر تکوین و رشد آن توجه داشت. نمی توان صرفاً با انتزاع مفاهیم تجریدی به تطبیق آنها با مفاهیم اسلامی پرداخت (چاوشی، ۱۳۸۸: ۴۴).

نویسندگان و صاحب نظرانی که در قلمرو مدیریت اسلامی و دیدگاه های اسلام در مورد مدیریت قلم زده اند، هر یک به فراخور برداشت های خود از اسلام، مبانی اخلاقی و سیره پیامبر (ص) و معصومین (ع) به طور مستقیم و یا غیرمستقیم، تعاریف و یا توضیحاتی را ارائه داده اند که نوعی مفهوم مدیریت اسلامی از آن مستفاد می شود؛ البته دامنه این برداشت ها و تعریف ها (که بیشتر بر محور ارزش ها و مبانی اخلاقی مکتب اسلام و سیره پیشوایان دین قرار داشته اند) گسترده و از نظر نوع نگاه نیز (در عین به هم نزدیک بودن) متنوع است. به تعدادی از تعریف های ارائه شده در مورد مدیریت اسلامی اشاره می شود:

افجه ای (۱۳۸۸) مدیریت اسلامی را مقوله ای مکتبی می داند و وظیفه مکتب نیز از نظر او ارائه راه حل هایی است که با مفهوم عدالت خواهی سازگار است (افجه ای، ۱۳۸۸: ۱۶). عسگریان (۱۳۷۰) مدیریت از دیدگاه اسلام را در مسیر نزدیکی به خداوند می داند؛ بدین معنی که در کلیه سطوح آن زهد و تقوا پیشه می شود، سعی در بخشش و ارشاد فزونی می یابد و جلب رضایت اکثریت بیشتر می شود (عسگریان، ۱۳۷۰: ۵۲). مشرف جوادی (۱۳۷۸) معتقد است در مدیریت اسلام (اسلامی)، ابتدا محور رابطه با خدا و حرکت به سوی او همراه با قادر مطلق دانستن وی و شهادت به یگانگی؛ یعنی فقط یاری و کمک طلبیدن از او منظور است (مشرف جوادی، ۱۳۷۸: ۱۱). مدیریت در اسلام، بدون در نظر گرفتن اعتقاد به معاد و یا دنیای دیگر، ناقص است. در واقع مطلب و مسایل مدیریت در اسلام، جدا از دنیای دیگر، همان مدیریت غربی است (همان). تقوی

دامغانی (۱۳۷۸) بدون این که از مدیریت اسلامی تعریفی ارائه دهد در مورد چیستی مدیریت توضیحی داده و به امانت بودن، تکلیف بودن، خدمت بودن و مواردی از این قبیل اشاره کرده است و سپس به توضیح نقش مدیر در جوامع اسلامی پرداخته است (تقوی دامغانی، ۱۳۷۸). نبوی (۱۳۸۰) مدیریت اسلامی را این چنین تعریف کرده است: مدیریت، هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد (نبوی، ۱۳۸۰: ۳۳).

بر اساس آیات قرآن کریم و توصیف بزرگان عرفانی مکتب اسلام، انسان خلیفه خداوند در زمین و تجلی و آئینه تمام نمای صفات حق تعالی است؛ بدین لحاظ، انسان می تواند تجلی صفت تدبیرگری خداوند بر جهان باشد و همان گونه که خداوند مدیر و مدبر جهان هستی است، انسان نیز می تواند تدبیرگر خود و جامعه پیرامون خود باشد و در این صفت انسان نباید ماهیت از اوایی و به سوی اوایی بودن خویش را فراموش نماید.

بنابراین هنگامی که صحبت از مدیریت در اسلام می شود، ابتدا منظور، اداره امور و بهره برداری صحیح از نعمت های الهی بر اساس اعتقاد به جهان بینی توحیدی است؛ یعنی کلیه اعمال و رفتار انسان ها و یا مدیران باید بر مبنای جهان بینی توحیدی باشد و فلسفه توحیدی ایجاب می کند که اعمال یک مدیر، علاوه بر انطباق با جهان بینی توحیدی با اصول و اهداف جامعه اسلامی نیز تطبیق داشته باشد.

حمیدی زاده (۱۳۷۸) معتقد است که نظام مدیریت در تفکر اسلامی از اصول اعتقادی آن سرچشمه می گیرد و بنابراین، مدیریت بر یک مجموعه انسانی و در یک سازمان در راستای مدیریت جهان خلقت است. با این ویژگی، وی مدیریت را به عنوان یک بینش مطرح می کند که در آن مدیر نیز عضوی از اعضای آفرینش است که باید همراه و هماهنگ با ضوابط و قوانین کلی آن باشد؛

زیرا هدف تشکیلاتی که به وی سپرده شده در جهت نظم کلی جهان و برای پیشبرد فعالیت های بشری به منظور دستیابی به سطوح آرمانی است (حمیدی زاده، ۱۳۷۸: ۲).

مدیریت مبتنی بر تفکر اسلامی با محوریت فرامین الهی است، اصول ارزشی و ضد ارزشی آن غیر قابل تغییر در همه زمان ها و مکان ها می باشد، متکی بر پایه تعالی انسان است، تولید، زمانی دارای ارزش است که در خدمت تعالی انسان ها باشد. کارکنان، دارای شخصیت ها و توانایی های متفاوت هستند. عدل ایجاب می کند که از هر کس متناسب با ظرفیت او انتظار رود و بار مسئولیت به او واگذار شود. محیط کار فرد از کل زندگی و مسئولیت های او در برابر خدا و مردم جدا نیست. شغل فرد، جزئی از مسئولیت های اجتماعی و اسلامی او است، انسان ذاتاً خلاق، مثبت و مسئولیت پذیر است و لازمه رشد و خلاقیت آنها قرار گرفتن در جریان مسائل و علوم است. زندگی و محیط کار باید محل رشد و شکوفایی استعداد های کارکنان و تکامل بخش رشد معنوی و روانی آنها باشد و نباید آنها را از فطرت خود دور سازد. مسائل اخلاقی و ارزشی بسیار مورد تأکید است. در چنین مدیریتی، تصمیمات و برنامه ها باید بر اساس الگوی الهی - عقلانی باشد.

۲- تفکر سیستمی و مدیریت

امروزه، تفکر سیستمی به عنوان یک تفکر بسیار مهم در اداره سازمان ها مطرح است و نقش بسیار مهمی در پیدایش سایبرنتیک در بحث کنترل، تحقیق و عملیات، نظریه سیستم های پویا و مهندسی در تحلیل سیستم، یادگیری سازمانی در مبحث سازمان ها و الگوی مدیریت کیفیت جامع داشته است.

نگرش سیستمی یا کل نگری در مقابل نگرش تجزیه گرایی نسبت به پدیده های هستی مطرح شده است (صافی، ۱۳۸۹). اساس اندیشه سیستمی در بلندای

تاریخ بشری جای دارد. ارسطو، افلاطون، ابن خلدون، مولانا، هگل، از جمله دانشمندانی هستند که به مفهوم سیستم توجه داشته اند (زاهدی، ۱۳۸۹). بعد از نظریات کلاسیک ها و نئوکلاسیک ها، از حدود ۱۹۶۰ میلادی، نظریه نگارش سیستمی در امور مدیریت جوامع و سازمان ها ارائه شد و لذا، بسیاری پیدایش این نوع نگرش به امور را مرهون مطالعات علمای علم مدیریت می دانند.

هدف تفکر سیستمی، ایجاد انگیزه یادگیری به منظور خلق بینشی مشترک برای تصمیم گیری درست و آگاهانه است (مطیعی فر، ۱۳۸۶). تفکر سیستمی، قالب ذهنی خاصی است که منبع آن تعقل و تفکر علمی می باشد؛ چهارچوب منطقی و علمی ارائه می دهد و با توجه به اینکه چند بعدی می اندیشد، شناخت کامل تری از محیط به دست می آید (زاهدی، ۱۳۸۹).

تفکر سیستمی، برخلاف برخی از جنبش های فکری که در یک رشته علمی و در محدوده معینی نشو و نما کرده اند در خارج از محدوده یک علم معین متولد شد و در محیطی میان رشته ای رشد کرد. از آنجا که این شیوه تفکر، به طور کلی با مجموعه هایی متشکل از اجزا سروکار دارد، نه با خود اجزا؛ ضرورتاً از مرزهای سنتی علوم خاص فراتر رفته و عمومیت یافته است؛ البته تفکر سیستمی در تضاد با تفکر تحلیلی تجزیه مدار نیست. در واقع این دو روش مکمل یکدیگرند، نه جایگزین هم. با وجود این، همان گونه که متفکران سیستمی دریافته اند، مطالعه فراگردهای به هم پیوسته اجزای یک سیستم مفید تر از تحلیل ریز آنهاست (رضایان، ۱۳۸۳).

با عنایت به ویژگی های نگرش سیستماتیک و گسترش این طرز فکر در قلمروهای علمی در سنوات اخیر، این گرایش تقویت شده که کسب و کار و نظام های اداری آنها که در مقیاس بزرگ، واقعاً مجموعه های پیچیده ای هستند، باید با چنین نگرشی مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرند و مدیریت امور آنها نیز بر این نظریه استوار گردد (میر سپاسی، ۱۳۸۱: ۱۶). در نظریه سیستم ها بر اثر پذیری

محیط خارج و داخل سازمان تاکید بر ارتباطات رسمی و غیر رسمی میان گروه ها و بخش های فرعی داخل سازمان نیز مطرح است (گلشنی، ۱۳۸۲: ۱۱۳).

تفکر سیستمی، فرآیند شناخت مبتنی بر تحلیل (تجزیه) و ترکیب در جهت دستیابی به درک کامل و جامع یک موضوع در محیط پیرامون خویش است. این نوع تفکر درصدد فهم کل (سیستم) و اجزای آن، روابط بین اجزاء و کل و روابط بین کل با محیط آن (فراسیستم) است. این نوع نگرش برای نظریه پردازان مدیریت و سازمان یک حوزه تفکر غالب ارائه می کند تا آنها بتوانند تمام دانش های مختلف متعلق به رشته های علمی ذی ربط را در الگوی سیستم های خود بگنجانند. نگرش سیستمی توجه خود را به عواملی از قبیل روابط با محیط برای حصول اطمینان از دریافت مداوم داده ها و تولید ستاده های قابل قبول، انعطاف پذیری در پاسخ به تغییرات محیطی، کارایی سازمان در تبدیل داده ها به ستاده ها، وضوح در ارتباطات داخلی، سطح تعارض در بین گروه های سازمانی و میزان رضامندی شغلی کارکنان معطوف می دارد (رایینز^۱، ۱۳۷۶: ۶۰).

نگرش سیستمی، سازمان را یک کل یا سیستم تلقی می کند. برای درک شناخت کل سازمان، شناخت اجزاء و عناصر متشکله آن و روابط و کنش هایی متقابل میان اجزا و میان کل و اجزاء ضروری است. در این کل، یک جز بدون اجزای دیگر نمی تواند موثر عمل کند و هر عملی که در یک جز اتفاق می افتد در اجزای دیگر در کل سازمان و محیط آن موثر واقع می شود.

مدیر با استفاده از تفکر سیستمی می تواند به اتکا مفهوم و موقعیت مکانی خودش به بررسی پردازد. آثار ناشی از وجود یا عدم وجود آن جزء را در روابط بین عناصر همجوار و غیر همجوارش بررسی کند و به تاثیر مقام و موقعیت آن جزء در تشکیک مفهوم کل از سازمان و امور مربوط به آن در جهت حصول به اهداف پی برد (بهرنگی، ۱۳۸۲: ۱۷۵).

^۱ . Robbins

دیدگاه سیستمی ایده برخی مدیران سطوح پائین سازمان را که مشاغل خود را عناصر مجزا، ایستا و فاقد نقش در حیات سازمان می پندارد رد می کند. دیدگاه سیستمی، همه مدیران را ترغیب می کند تا محیطی که بر فعالیت های سیستم آنها تاثیر می گذارد را مشخص نموده و بشناسد (راینرز، ۱۳۷۶: ۳۶). نگرش سیستمی، سازمان را یک کل یا سیستم تلقی می کند. برای درک شناخت کل سازمان، شناخت اجزاء و عناصر متشکله آن و روابط و کنش هایی متقابل میان اجزا و میان کل و اجزاء ضروری است. در این کل، یک جزء بدون اجزای دیگر، نمی تواند موثر عمل کند و هر عملی که در یک جزء اتفاق می افتد در اجزای دیگر، در کل سازمان و محیط آن موثر واقع می شود.

وجه مشترکی که در نظریه های جدید سازمان و مدیریت ملاحظه می شود، تلقی سازمان به عنوان سیستم است؛ در نتیجه، همه جوانب فنی-اقتصادی، روانی-اجتماعی، ساختاری-عملکردی و درونی-بیرونی سازمان، مورد توجه قرار گرفته، برای توصیف و تبیین رفتارهای پیچیده سازمانی از دستاوردهای همه علوم استفاده به عمل می آید.

تفکر سیستمی، فرآیند شناخت مبتنی بر تحلیل (تجزیه) و ترکیب در جهت دستیابی به درک کامل و جامع یک موضوع در محیط پیرامون خویش است. این نوع تفکر درصدد فهم کل (سیستم) و اجزای آن، روابط بین اجزاء و کل و روابط بین کل با محیط آن (فراسیستم) است.

تفکر سیستمی به مدیران کمک می کند تا ساختار، الگوها و وقایع را در پیوند با یکدیگر مورد بررسی قرار دهند و تنها به مشاهده وقایع اکتفا نکنند. این نوع تفکر به فرد کمک می کند تا به مسائل به صورت جامع و نظام مند نگاه کند. تفکر سیستمی، خطر محدود شدن نگرش مدیر به یک وظیفه را برطرف کرده، او را مجبور می سازد تا سایر خرده سیستم های که تأمین کننده ورودی ها یا استفاده کننده از خروجی های سیستم (سازمان) تحت مدیریت او هستند را شناسایی کند.

۳- بحث و بررسی

در این قسمت با عنایت به آنچه در بالا آمد به پاسخ سوالات تحقیق پرداخته می شود.

سوال ۱: جایگاه تفکر اسلامی در مدیریت سازمان ها در جوامع اسلامی به چه نحو است؟

تفکر اسلامی ریشه در علوم و حیانی دارد؛ زیرا آگاهی های برخاسته از عقل و حس در پاسخ به نیازهای انسانی و رسیدن او به سعادت واقعی کافی نیست؛ البته علوم و شناخت های جزئی و کلی قابل توجهی از سوی عقل و حس در اختیار انسان قرار داده می شود که ارزنده و سودمند هستند و آدمی با بهره گیری از آنها به مجموعه بزرگی از معارف و علوم دست می یابد؛ اما عقل و حس از پاسخگویی به آن دسته از پرسش هایی که معنای زندگی و سعادت انسانی در گرو پاسخ به آنهاست ناتوان است.

بدون تردید عقل از مهم ترین منابع شناخت انسان به شمار می رود. انسان با عقل خویش بسیاری از معارف نظری؛ مانند مسائل مربوط به جهان بینی خویش را از جمله: وجود خداوند، صفات خداوند، هستی جهان، معاد، ضرورت وحی و ... اثبات کند. همچنین برخی اصول اخلاقی نظیر خوبی عدل و بدی ظلم نیز قابل دریافت عقلانی است؛ اما با این وجود، عقل دارای محدودیت های فراوانی است که در بسیاری از موارد نیازمند دستگیری وحی می باشد. پاسخ ها و قضاوت هایی که عقل در راستای پرسش های اساسی و مسائل عملی در اختیار بشر قرار می دهد، بسیار کلی و اجمالی است. برای پیمودن مسیر کمال به پاسخ های شفاف تر و جزئی تری نیازمندیم. برای دستیابی به شناخت های لازم و جبران نارسایی حس و عقل انسان، ضرورت وحی اثبات می گردد. وحی که از علم لایزال الهی سرچشمه می گیرد و هیچ گونه خطا و اشتباهی، نه عمدی و نه سهوی در آن وجود نداشته و آمیخته با تمامی براهین حسی، علمی، عینی و عقلانی است، می تواند پاسخگوی نیازهای بشری، اعم از دنیوی و اخروی باشد.

وحی به عنوان یکی از منابع تفکر اسلامی به معنای رسالی و تشریحی، آموزه ویژه ای است که از ناحیه خداوند سبحان به برخی از انسان های برگزیده افاضه می شود. وحی، گشوده شدن روزنه ای به عالم غیب و افق های نوینی از آسمان معنا به روی انبیا است. وحی از سوی خداوند است و خاستگاه آن، جهانی است و رای شعور و آگاهی هایی که از حس و تجربه به دست می آید. در واقع وحی به عنوان یک ابزار شناخت قویتر آمده است تا جهان بینی انسان ها را از تنگنای فکری و معرفتی و اسارت و محدود شدن در مرتبه محسوسات و عالم ماده آزاد سازد.

تفکر اسلامی معتبرترین تفکر (به جهت منابع جاودان و بسیار عظیم) کامل و جامع تر (به جهت طرح و نظر داشتن برای همه ابعاد زندگی، جسمانی و روحانی، دنیوی و اخروی) و شفاف و مشخص تر (به جهت داشتن معیارها و ارزش ها و اصول الهی دقیق) است.

مدیریت اسلامی با استمداد از چنین تفکری، ماهیتی مکتبی، ارزشی و اخلاقی دارد. شجره طیبه این مدیریت، ریشه در مبانی وحی، قرآن و سنت داشته و ساقه و تنه آن مبتنی بر عقل، اجماع، تئوری ها و نظریه های مختلف علمی است؛ ولی در شاخ و برگ های این مدیریت می توان از متدولوژی علمی و روش های فنی و تخصصی استفاده کرد. هدف از مدیریت اسلامی عبارت است از رشد انسان ها به نحوی که انسانیت جایگاه ویژه خود را در جان انسان ها و اجتماع بیابد و بنابراین فرض شکل ها و تجمع ها و سیاست و تشکیلات باید به گونه ای باشند که با هدایت مدیریت های صالح، انسان ها را به رشد برسانند. ماهیت مدیریت اسلامی عبارت است از امانتی که از سوی خداوند و رب العالمین به انسان داده شده است، نه حق طبیعی فرد یا برگزیدگان بر مردم. نیت در مدیریت اسلامی انجام وظیفه و قرب به خداوند است نه به دست آوردن قدرت فردی یا گروهی. ارزش ها در مدیریت اسلامی بر پایه ارزش های ثابت

الهی و غیر مادی بنا می شود، نه بر مبنای ارزش های مادی، قومی و حزبی جمعی قابل تغییر. وسیله در مدیریت اسلامی، حقوق، ضوابط و احکام اسلامی است، نه حقوق و ضوابط بشرساخته و متغیر فردی یا گروهی (سرمدی، ۱۳۷۵: ۲۷).

پیش فرض های این مدیریت را می توان به شرح ذیل بیان کرد:

* انسان موجودی مختار، آزاد و سرنوشت ساز است و آینده خویش را خود می سازد.

* انسان ها دارای شخصیت ها و توانایی های متفاوتی هستند. بر اساس عدل تشریحی خداوند از هر کس تکلیف متناسب با توانایی اش انتظار می رود.

* محیط کار فرد از کل زندگی و مسئولیت های وی در برابر خدا و مردم جدا نیست؛ به گونه ای که شغل و حرفه فرد جزئی از مسئولیت های اجتماعی و اسلامی او است.

* انسان ذاتاً خلاق و مسئولیت پذیر است.

* انگیزه و هدف انسان در پذیرش مسئولیت ها، رسیدن به خداوند و تعالی است.

* اهداف فرد و سازمان مغایر یکدیگر نمی باشند؛ به گونه ای که تلاش های فرد در راستای اهداف سازمان موجبات خود فرد را نیز فراهم سازد.

* انسان به مثابه عالم صغیر در این جهان کیبر همانند جهان دارای ماهیت از اویبی و به سوی اویبی است.

* همانطوری که جهان دارای یک حرکت اشتدادی رو به مجرد است، انسان نیز در بستر این حرکت فطرتاً تمایل به تعالی و جاودانگی در عالم رستاخیز دارد.

* انسان بر اساس تفکر اسلامی معتقد به سود و زیان اعمالش به صورت دنیوی و اخروی می باشد؛ یعنی کار و حرفه او در یک سازمان هم سود و پاداش دنیوی دارد و هم سود و پاداش اخروی.

* انسان به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین، آئینه تمام نمای صفات حق

تعالی است. از این منظر انسان، تجلی صفت تدبیر گری خداوند نیز می باشد. پس او هم می تواند مدیر خود باشد و هم می تواند این صفت را تعمیم داده و مدیر جامعه گردد.

مدیریت در ترکیب با اسلام خصوصیتی می یابد که با دیگر ویژگی های مدیریت متفاوت است. برای بررسی انطباق پذیری دیدگاه های اسلامی بر مفاهیمی چون مدیریت باید به پیشینه و سیر تکوین و رشد آن توجه داشت. نمی توان صرفاً با انتزاع مفاهیم تجریدی به تطبیق آنها با مفاهیم اسلامی پرداخت (چاوشی، ۱۳۸۸).

سوال ۲: مزایا و برتری های تفکر اسلامی در زمینه مدیریت کدامند؟

تفکر اسلامی با منشاء و حیانی، معتبرترین تفکر (به جهت منابع جاودان و بسیار عظیم) کامل و جامع تر (به جهت طرح و نظر داشتن برای همه ابعاد زندگی، جسمانی و روحانی، دنیوی و اخروی) و شفاف و مشخص تر (به جهت داشتن معیارها و ارزشها و اصول الهی دقیق) است. از بعد توجه به مبدا روابط و نتایج پدیده ها تفکر اسلامی یک جهان بینی توحیدی است و به جهان بعد از این جهان نیز معتقد است. در نگاه تفکر اسلامی استدلال ها، استدلال های عینی، علمی و حیانی می باشد.

تفکر اسلامی هم نگاه کل گرا به جهان داشته و هم نگاه جزء گرا و بدین گونه هم به ارتباط بین اجزاء با کل توجه دارد و هم ارتباط اجزاء با یکدیگر. از آنجایی که تفکر اسلامی به زندگی در دنیا نگاه اعتدالی دارد در ارتباط دادن امور و پدیده ها به یکدیگر اعتدال را رعایت کرده و از ارتباط دادن افراطی پدیده ها و امور به یکدیگر پرهیز دارد و همین امر باعث رفع پیچیدگی ها، معضلات و ابهامات در حل یک مساله می گردد.

نگاه تفکر اسلامی به جهان هستی نگاهی محدود نبوده چرا که هم به مبدا جهان و حرکت جهان توجه دارد و همچنین نگاه این تفکر در ارتباط با پدیده ها با هم نگاهی اعتدالی است.

هستی شناسی، انسان شناسی و ارزش شناسی، ریشه های اولیه مباحث عمیق اسلامی از جمله مدیریت اند(چاوشی، ۱۳۸۸). مدیریت با پسوند اسلامی دارای مفهومی واقعی بوده و از جایگاه والایی نیز برخوردار می باشد. صفت اسلامی بودن در مدیریت اسلامی، دارای بار ارزشی و دینی است و شامل بیان ارزش ها، اعتقادات و پاسخ به پرسش های مدیریتی است که نمود این صفت اسلامیت، بیشتر هنگام پیاده کردن و در روش اجرای مدیریت قابل لمس است(گودرزی، ۱۳۷۸).

مدیریت اسلامی که بر مبنای تفکر اسلامی تحقق می یابد عبارت است از مدیریتی که زمینه رشد انسان به سوی «الله» را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر و امامان معصوم و با استفاده از علوم و فنون و تجارب بشری در جهت رسیدن به اهداف یک نظام در ابعاد مختلف همانند یک محور و مدار عمل کند.

مدیریت اسلامی بر مبنای ارزش های الهی اسلام، زمینه های تعالی انسان را فراهم می آورد. این امر چه در سطح جامعه و چه در سطح سازمان مصداق دارد آنچه مسلم است این است که در مدیریت از دیدگاه اسلام، اخلاق و مسایل اخلاقی - ارزشی اهمیتی بیش از کسب هدف تولید دارند و به عبارت بهتر در اولویت بالاتری قرار گرفته اند(فروزنده دهکردی و ملایی، ۱۳۸۸). از دیدگاه اسلام، ارزش ها از کیفیت رابطه رفتار انسان با هدف نهائی به دست می آید؛ یعنی عملی ارزش حقیقی دارد که در راستای هدف نهایی او باشد(چاوشی، ۱۳۸۸).

سوال ۳: موانع تفکر اسلامی در زمینه مدیریت کدامند؟

با توجه به آنچه که در باب تفکر اسلامی آمد، می توان گفت این تفکر با توجه به منابع عظیم وحیانی در محتوا و متن با نواقص و کاستی هایی روبرو نیست. این امکان وجود دارد که مدیران اسلامی در بهره گیری از این تفکر به عنوان خمیر مایه مدیریت اسلامی با معضلات و موانعی روبه رو باشند. معصومی مهر، عابدی جعفری و فروزنده دهکردی (۱۳۹۰) در تحقیقی موانع تحقق مدیریت اسلامی را به صورت زیر بیان نموده اند:

- نبودن متولی مشخصی برای مطالعه و تدوین مدیریت اسلامی در جامعه
- عدم حاکمیت رویکرد اسلامی در تمام آموزش های مدیریتی جامعه
- نبودن نگاه راهبردی و بلندمدت به مدیریت اسلامی در سطح سازمان
- نبودن الگوی کامل مدیریت اسلامی در حوزه های مختلف
- عدم باور مدیران ارشد سازمان نسبت به کاربردی بودن مدیریت اسلامی
- فقر نظری، نبودن کرسی های نظریه پردازی مناسب در مدیریت اسلامی
- آشنا نبودن مجریان نسبت به الگوها و مهارت های مدیریت اسلامی و عدم آموزش کافی به آنها
- سیطره و نفوذ تفکر مدیریت غربی و عدم خود باوری در سطوح مختلف مدیریتی سازمان ها
- نبودن عزم و تصمیم جدی، ملموس و منسجمی در خصوص پرداختن به موضوعات مختلف مدیریت اسلامی از زوایای گوناگون توسط مسئولان ارشد نظام (معصومی مهر، عابدی جعفری و فروزنده دهکردی، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

سوال ۴. جایگاه نگرش سیستمی در مدیریت سازمان ها در جوامع

اسلامی به چه نحو است؟

تفکر سیستمی، ما را از قید و بند یا محدودیت های روش مکانیکی رها می سازد و دلیل های به دست می دهد تا بتوان بر آن اساس «اصول» مبتنی بر اندیشه «سیستم بسته» را نفی و رد کرد. این نوع نگرش برای نظریه پردازان مدیریت و

سازمان یک حوزه تفکر غالب ارائه می کند تا آنها بتوانند تمام دانش های مختلف متعلق به رشته های علمی ذی ربط را در الگوی سیستم های خود بگنجانند.

نگرش سیستمی برای درک و فهم مدیریت سازمان سوالاتی نظیر موارد زیر مطرح می سازد:

۱- هدف هایی که سیستم در صدد تحقق آنها است چیستند؟

۲- اجزای مهم سیستم کدامند؟

۳- ماهیت روابط و وابستگی های متقابل اجزا چیست؟

۴- فراگردهای اصلی پیوند دهنده اجزا به یکدیگر و ایجاد کننده سازگاری و یگانگی میان آنها کدامند؟

بنابراین با نگرش سیستمی، وظایف مدیر عبارت از این است که سازمان را به عنوان سیستم تعریف کند، هدف های آن را مشخص سازد، اجزای اصلی آن را ایجاد کند و همه اجزاء را از طریق فراگردهای ارتباط و تصمیم گیری یگانه سازد (علاقه بند، ۱۳۹۰).

کابرد اصول نظریه عمومی سیستم ها در تحلیل فراگرد، تجسم و طراحی اهداف، ساختار کارها، ساز و کارهای کنترل، محیط، وابستگی و تعامل اجزا، مرزها، خرده سیستم ها، ورودی ها، فراگرد تبدیل، و خروجی ها اهمیت بیشتری می یابد؛ در واقع فقط از طریق شناخت آگاهانه سازمان به منزله یک سیستم است که مدیر می تواند بر پیچیدگی سازمانی که باید آن را اداره کند، واقف شود.

سوال ۵: کاستی ها و نقائص نگرش سیستمی در زمینه مدیریت کدامند؟

نگرش سیستمی از دید علمی و تجربی به مطالعه امور می پردازد. روش شناخت جهان از نظر علمی به خاطر میزان جهل انسان نسبت به جهان، روشی نارسا و گمراه کننده است (جاسبی، ۱۳۷۸).

تفکر سیستمی نسبت به تفکر اسلامی:

- دارای منابع قابل اعتماد کمتر (تعقل، حس، و مشاهده) است.
- مبدأ تفکر سیستمی حس، تجربه و آزمایش است که فقط ارزش علمی دارد.
- تفکر سیستمی محدودتر است؛ یعنی فقط به دلایل علمی و منطقی امور توجه می کند.
- محدودیت دیگر تفکر سیستمی در نظر گرفتن مسائل دنیوی و مادیات است.
- تفکر سیستمی به خاطر چهارچوب ذهنی و نظری و نداشتن ارزش ها و معیارهای مشخص مجرد و انتزاعی تر می باشد.
- تفکر سیستمی نمی تواند شناخت کلی از جهان ارائه دهد و نشان بدهد که حرکت جهان به چه جهتی است؟ جهان چگونه به وجود آمده؟ از کجا آمده؟
- تفکر سیستمی بیشتر به بررسی روابط بین پدیده ها می پردازد (وابسته نمودن هر چیز به هر چیز دیگر) و به نتایج و خود پدیده ها توجهی ندارد.
- عدم امکان عملی نمودن تفکر سیستمی در عالم واقعیت.
- تفکر سیستمی روش و وسیله مدیریت ارائه نمی کند و فقط یک نگرش کلی نگر است.
- تفکر سیستمی به تجارب انسان ها که از طریق واقعیت های زندگی در عمل به دست آورده اند توجه نمی کند.
- تفکر سیستمی به خاطر حل یک مساله با ابهامات و معضلات فراوان به خاطر تمایل به ربط دادن بیش از حد مسائل به هم روبرو می شود.

سوال ۶: مزایا و برتری های نگرش سیستمی در زمینه مدیریت کدامند؟

برخی از مزایای بالقوه تفکر سیستمی که برای مدیران مفید است، عبارتند از:

- فردی که سیستمی فکر می کند تنها در جستجوی مجموعه‌ای از ویژگی‌های موضوع نمی‌گردد؛ بلکه تفکر سیستمی به او کمک می‌کند به مسائل به صورت جامع و نظام‌مند نگاه کند.

تفکر سیستمی به مدیران کمک می‌کند تا ساختار، الگوها و وقایع را در پیوند با یکدیگر مورد بررسی قرار دهند و تنها به مشاهده وقایع اکتفا نکنند.

- تفکر سیستمی، این امکان را برای مدیر ایجاد می‌کند تا هدفهای خود را مرتبط با مجموعه هدف‌های کلان سازمان در نظر بگیرد و این فرصت را برای سازمان ایجاد می‌کند تا خرده سیستم‌هایش را به گونه‌ای ساختار دهد که با اهداف خودش سازگار باشد.

- تفکر سیستمی، با در نظر گرفتن مدل سیستم هدفمند، امکان ارزیابی سازمان و تعیین میزان اثربخشی خرده سیستم‌ها را فراهم می‌سازد (شودربک و دیگران^۱، ۱۹۷۵؛ به نقل از رضاییان، ۱۳۸۳).

در این باره هینس، منافع تفکر سیستمی در مدیریت را چنین می‌شمارد: الف) روش موثری از تفکر در باره سیستم، اهداف، محیط و اجزای آن؛ ب) چهارچوب و روشی برای درک پیچیدگی‌های زندگی (زیرا هر موجود زنده‌ای سیستم محسوب می‌شود)؛ ج) روشی برای فراگیری آسان تر مطالب جدید و یکسان سازی قوانین اساسی سیستم‌ها؛ د) چهارچوبی برای تشخیص، تجزیه و تحلیل، حل مسائل و تصمیم‌گیری در هر سیستم (که به سهولت درک مسائل پیچیده همچون روابط داخلی اجزادر چرخه‌های علت و معلولی چندگانه را دنبال دارد)؛ ه) روشی برای مدیریت پیچیدگی در عصر سیستم‌ها از طریق تأکید بر کل اجزا و روابط داخلی آن؛ ز) راهی برای مشاهده کل همزمان با مشاهده اجزاء؛ و) چشم‌اندازی برای درک نتایج کوتاه و بلند مدت (مطیعی فر، ۱۳۸۶).

براین اساس تفکر سیستمی یک جهت‌گیری تازه نسبت به زندگی است که

^۱ . Schoderbek

همچون ابزاری برای حل مسائل مختلف مورد استفاده قرار می گیرد و چشم اندازی روشن تر و طبیعی تر از سیستم های زنده نظیر افراد، گروه ها، سازمان ها و غیره (که در محیط پویای امروزی در تلاش برای بقا و رشد هستند) به دست می دهد.

سوال ۷: چگونه تفکر اسلامی می تواند به رشد و بهبود تفکر سیستمی کمک کند؟

با توجه به گذشت شش دهه از حیات تفکر سیستمی به عنوان رویکردی نظری_ کاربردی، جای آن دارد که زمینه بالنده سازی و اعتلای این تفکر اثربخش در اداره جامعه و سازمان مورد عنایت بیشتر مدیران و تصمیم سازان قرار گیرد (نیاز آذری، تقوایی یزدی و نیاز آذری، ۱۳۸۹). با توجه به مباحث مطرح شده برای رفع محدودیت های تفکر سیستمی و بهبود و تعالی آن می توان راهکارهایی به شرح ذیل مطرح نمود.

از آنجایی که تفکر سیستمی، دارای منابع قابل اعتماد کمتر (تعقل، حس و مشاهده) است؛ در حالی که این نگرش از دید علمی و تجربی به مطالعه امور می پردازد. روش شناخت جهان از نظر علمی به خاطر میزان جهل انسان نسبت به جهان، روشی نارسا و گمراه کننده است، برای جبران این نقیصه بایسته است از منابع عظیم و غنی تفکر اسلامی (قرآن، سنت پیامبر (ص) و سیره ائمه معصوم (ع)) کمال استفاده را نمود. همچنین به لحاظ این که مبدأ تفکر سیستمی حس، تجربه و آزمایش است و فقط ارزش علمی دارد، توجه به مبدا تفکر اسلامی که همان وحی است و ارزش علمی، عقلی و عینی دارد، شایسته می نماید.

تفکر سیستمی محدود و فقط به دلایل علمی و منطقی امور توجه می کند. برای بهبود تفکر سیستمی و رفع این محدودیت و خارج شدن از این تنگنای معرفتی بایستی به تفکر اسلامی که منشعب از وحی و آمیخته با براهین علمی، عینی و عقلانی است مراجعه نمود. برای رفع این محدودیت تفکر سیستمی که فقط به مسائل دنیوی و مادی نظر دارد، بایستی به دین اسلام و تفکر اسلامی آن مراجعه نمود که جامعیت دنیوی و اخروی داشته و منحصر به دنیا و مادیات نیست.

تفکر سیستمی به خاطر چهارچوب ذهنی و نظری و نداشتن ارزش ها و معیار های مشخص، انتزاعی می باشد. وحی الهی که از علم لایزال الهی سرچشمه

می گیرد و آمیخته با تمام براهین حسی و علمی و عقلی (فلسفی) و شهودی می باشد، هم دارای جنبه انتزاعی است. هم می توان برای آن ما به ازای عینی پیدا کرد؛ به عبارتی دیگر وحی چون فراتر از حس و شعور مردمان عادی است؛ بنابراین هم جنبه غیر مادی و مجرد داشته و هم دارای مصادیق عینی. برای این اساس اگر تفکر سیستمی با تفکر اسلامی آمیخته گردد می تواند جنبه عینی نیز پیدا کند.

تفکر سیستمی نمی تواند شناخت کلی از جهان ارائه دهد و نشان بدهد که حرکت جهان به چه جهتی است؟ جهان چگونه به وجود آمده؟ از کجا آمده؟ اما اگر تفکر اسلامی در کنار آن قرار گیرد، می توان با توجه به ماهیت از اویی و به سوی اویی جهان هستی، مبدا و معاد جهان را پیدا کرده و با توجه به توحید این مبدا و معاد چگونگی خلقت جهان، حرکت جهان و جهت آن را به صورت واضح تبیین کرد. از آنجایی که بر مبنای تفکر اسلامی، جهان هستی و بویژه کره زمین با تمام متعلقاتش به گونه ای آفریده شده که متناسب با حرکت تکاملی انسان باشد؛ کل جهان هستی را به صورت مجموعه ای هماهنگ و هدفدار می بیند که تحت تدبیر و مدیریت عالی الهی قرار دارد.

تفکر اسلامی یک جهان بینی توحیدی است و به جهان بعد از این جهان نیز معتقد است، می تواند چشم انداز تفکر سیستمی که دامنه اش فقط در این جهان است را گسترش دهد و به افراد جهت مشاهده دنیا کمک می کند که چشم انداز وسیع تری (دنیا و آخرت) به دست آورند. درست است نگرش سیستمی در پی کمک به افراد جهت تشخیص علل واقعی مسائل است؛ اما قادر به پاسخگویی به هدف و مبدا کل جهان نمی باشد و تنها قادر است به تشخیص علل علمی و منطقی مسائل کمک کند. آیا علل ماورای طبیعت در مورد پدیده های جهان مطرح نیست؟ نگرش سیستمی سعی در تعریف هدف سیستم ها دارد و در ایده آل ترین حالت، سعی در مشخص کردن اهداف خرده سیستم ها در جهت اهداف فرا سیستم (محدود به مادیات) می باشد؛ ولی هدف غایی، جهان دیگر و مباحث ملکوتی کجا مد نظر می باشد؟ تفکر اسلامی می تواند در جهت تکمیل اهداف سیستم (هدف غایی) به تفکر سیستمی مدد رساند.

تفکر سیستمی بیشتر به بررسی روابط بین پدیده ها می پردازد (وابسته نمودن هر چیز به هر چیز دیگر) و به نتایج و خود پدیده ها توجهی ندارد، تفکر

اسلامی هم نگاه کل گرا به جهان داشته و هم نگاه جزء گرا و بدین گونه هم به ارتباط بین اجزاء با کل توجه دارد و هم ارتباط اجزاء با یکدیگر. از آنجایی که تفکر اسلامی به زندگی در دنیا نگاه اعتدالی دارد در ارتباط دادن امور و پدیده ها به یکدیگر اعتدال را رعایت کرده و از ارتباط دادن افراطی پدیده ها و امور به یکدیگر پرهیز دارد و همین امر باعث رفع پیچیدگی ها، معضلات و ابهامات در حل یک مساله می گردد که نگرش سیستمی بر اساس ارتباط برقرار نمودن پدیده ها با یکدیگر در حل یک مساله با آن پیچیدگی ها، معضلات و ابهامات مواجه بود. نکته دیگر اینکه بر اساس تفکر اسلامی، علل ایجاد یک فعل به دنبال به نتیجه رساندن آن فعل می باشند [علل ایجاد یک فعل منظور علت های فاعلی، غایی، صوری و مادی می باشند] به عبارتی تفکر اسلامی هم به ظاهر فعل توجه داشته و هم باطن آن؛ در نتیجه تفکر اسلامی هم به ماهیت پدیده توجه داشته هم به روابط بین این پدیده با پدیده های دیگر و هم به نتیجه تعامل بین پدیده ها.

عدم امکان عملی نمودن تفکر سیستمی در عالم واقعیت، یکی دیگر از معایب تفکر سیستمی در مدیریت می باشد. از آنجایی که تفکر سیستمی فقط در حوزه شناخت های نظری است با چنین مشکلی روبرو شده است. برای رفع این مشکل تفکر اسلامی در مدیریت پیشنهاد می گردد که هم به جهان بینی ها توجه داشته و هم به ایدئولوژی ها. جهان بینی ها همان شناخت هست ها و نیست های نظری در باب جهان هستی می باشند و ایدئولوژی ها همان باید ها و نباید های که انسان را وارد عرصه عمل می نمایند. در آن مواردی که انسان ها در مرحله تشخیص و عمل با مشکلاتی روبه رو می شوند، تفکر اسلامی با عرضه چنین جهان بینی ها و ایدئولوژی هایی که از علم لایزال الهی سرچشمه می گیرد، انسان ها را از آن مشکلات برآمده از عقل و تجربه خارج می سازد.

تفکر سیستمی روش و وسیله مدیریت ارائه نمی کند، چرا که بیش از اینکه به جنبه عملی امور و پدیده ها توجه نماید به جنبه نظری آنها توجه می نماید و ذهنی و انتزاعی است. تفکر اسلامی از آنجا که هم به جنبه نظری مسائل و هم به جنبه عملی آنها توجه دارد، روش و وسایلی را برای مدیریت جامعه پیشنهاد می هد؛ اما از آنجا که براساس برخی تفکرات مکاتب غربی هدف وسیله را توجیه می کند و از هر وسیله ای برای رسیدن به هدف استفاده می نمایند، تفکر

اسلامی با این نگرش مخالفت کرده و اعلام می نماید که برای رسیدن به هدف مطلوب، باید از وسایل و روش های مناسب و مشروع استفاده نمود.

تفکر سیستمی به تجارب انسان ها که از طریق واقعیت های زندگی در عمل بدست آورده اند، توجه نمی کند. تفکر اسلامی که برآمده از قرآن کریم، سنت پیامبر (ص) و سیره معصومین (ع) است، روش های مختلفی را جهت زندگی بشر در عرصه های مختلف پیشنهاد می دهد که حتی از نگاه اندیشمندان معاصر نیز یکی از بهترین و کارآمدترین روش های مدیریتی الگوپذیری از اسوه های صالح و مخلص است. در قرآن کریم، سنت پیامبر (ص) و سیره معصومین (ع) انسان های بزرگی در قالب پیامبران، ائمه و اولیای امر معرفی شدند که آنها می توانند الگوهای شایسته ای باشند که انسان ها از تجربه زندگی آنان در مدیریت خود و جامعه خویش بهره جویند.

با این اوصاف، دیدگاه یا تفکر اسلامی جهان را یک کل منسجم، هدفدار و منظم می بیند که در جهت تعالی انسان است و جهان بینی توحیدی ماهیت از اوایی و به سوی اوایی دارد. تفکر اسلامی معتقد است که اراده و مشیت الهی به صورت "سنت" یعنی به صورت قانون و اصل کلی در جهان جریان دارد و برای جهان، یک پدیدآورنده و آفریننده ای قائل است و این تفکر به جهان یا دنیای بعد از مرگ معتقد می باشد. اصول ارزشی اسلام، لایتغیر و برای همیشه زمان و مکان است. نگرش اسلامی مکتبی ایدئولوژیکی است و هیچ گاه دچار لغزش نشده و نخواهد شد.

نگرش سیستمی، جهان را به مانند یک سیستم در نظر می گیرد که دارای هدف و در خود، دارای خرده سیستم ها و سیستم های فرعی است. این نگرش، به جهان، بیشتر از دید علمی نگاه می کند. تفکر اسلامی و نگرش هر دو نگاه کل بینانه به جهان دارند و بر تاثیر عوامل بر یکدیگر معتقدند. ولی حوزه دید تفکر سیستمی، محدود به مادیات و این دنیا است. هرچند زمانی که بحث تفکر اسلامی به صورت سیستماتیک است، فراتر از نگرش سیستمی به صورت نظام مند به همه ابعاد تفکر اسلامی توجه می شود.

جدول ۱: مقایسه تطبیقی تفکر اسلامی و نگرش سیستمی در مدیریت

نگرش سیستمی	تفکر اسلامی	تفکر ابعاد
تعقل - حس و مشاهده	قرآن - سنت - اجماع و عقل	منبع
روش و وسیله ارائه نمی کند	مصادیق عملی بیان می دارد	عملی بودن
محدود و دنیوی	دنیوی و اخروی	گستره
توجه فقط به روابط	توجه به مبدا، روابط و نتایج پدیده ها	نگاه به پدیده ها
توجه به دلایل علمی	توجه به استدلال های عینی، علمی و وحیانی	استدلال
توجه صرف به جهان مادی صرف منهای مبدأ الوهی	توجه به مبدا جهان و حرکت جهان، دارای جهان بینی توحیدی	جهان شناسی
عدم مبتنی بر مدیریت عالی الهی	مبتنی بر مدیریت عالی خداوند	اداره جهان
نگاه افراطی در ربط دادن پدیده ها به هم	نگاه اعتدالی در ارتباط دادن پدیده ها به هم	ارتباط پدیده ها
تجربی	وحیانی	منشأ
انتزاعی به خاطر نداشتن معیار و ملاک های ارزشی	شفاف و مشخص به خاطر داشتن معیارها و ارزشها و اصول الهی دقیق و مبرهن	وضوح
هدفمند در حیطه جهان مادی	قرب الهی	هدف مدیریتی

نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی جایگاه تفکر اسلامی به نگرش سیستمی در مدیریت بود، جهت تحقق هدف تحقیق ۷ سوال اصلی طرح شد. پس از بررسی و

ارائه پاسخ به این سوالات، یافته‌ها نشان داد که تفکر اسلامی با الهام از منابع عظیم قرآن کریم، سنت پیامبر (ص) و سیره معصومین (ع)، به مدیریت، نگاه فراحسی و فرا عقلی دارد. این تفکر ضمن معرفی ابزار و روشهای مدیریتی در واقعیت قابلیت عمل داشته و به صورت اعتدالی به ارتباط بین امور و پدیده‌ها توجه می‌نماید. این تفکر جامع و شامل می‌تواند نقایص نگرش سیستمی به عنوان یکی از کارآمدترین نگرشها در زمینه مدیریت سازمان‌ها را تعالی بخشد. بر این اساس می‌توان پیشنهادها در راستای موضوع به شرح ذیل ارائه کرد.

پیشنهادها

- با توجه به نقص تفکرات علمی (به خاطر میزان جهل انسان، نسبت به شناخت جهان) ضرورت دارد که مدیران اسلامی برای اداره سازمان‌ها از تفکر اسلامی که متناسب با جهان بینی حاکم بر کشورهای اسلامی است، شناخت کامل را از طریق منابع این تفکر (قرآن مجید و احادیث) بدست آورند.
- پیشنهاد می‌گردد جهت حل مسائل مدیریتی به مبدا تفکر اسلامی - که همان وحی است و ارزش علمی، عقلی و عینی دارد - توجه گردد. (وحی الهی که از علم لایزال الهی سرچشمه می‌گیرد و آمیخته با تمام براهین حسی و علمی و عقلی (فلسفی) است؛ هم دارای جنبه انتزاعی است، هم می‌توان برای آن، ما به ازای عینی پیدا کرد).
- الگوبذیری از اسوه‌های صالح و مخلص (پیامبران، ائمه و اولیای امر) و استفاده از تجارب که در تفکر اسلامی بدان پرداخته می‌شود.
- داشتن نگاه اعتدالی و جامع نسبت به روابط امور و پدیده‌ها، جهت کاهش معضلات، ابهامات و پیچیدگی‌ها.
- انتخاب روش و وسایل مدیریتی بر مبنای تفکر اسلامی.

- در نظر گرفتن اهداف الهی و قرب الهی: مدیران در جامعه اسلامی بایستی اهداف دنیوی مدیریتشان را سکوی پرشی برای هدف نهایی که همان قرب الهی است، بدانند.

- مدیران باید در مدیریت جامعه به ارزش های مطلق، ثابت و تغییر ناپذیر الهی در جامعه اسلامی اشراف کامل داشته و در اعمال مدیریت از آن ارزش ها تعدی نمایند. در جهت توسعه سازمان ها تفکرات و تئوری های مدیریتی را تا آنجا که با ارزش های اسلامی مغایر نیست استفاده نمایند.

منابع

- افجه ای، علی اکبر. (۱۳۸۸). *مدیریت اسلامی*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی علامه طباطبایی.
- ایران نژاد پاریزی، مهدی و ساسان گهر، پرویز. (۱۳۷۹). *سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل*، تهران: موسسه عالی بانکداری.
- بهارستان، جلیل. (۱۳۸۳). *مطالعه تطبیقی مدیریت اسلامی و مدیریت رایج*، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۱۰، صص ۳۷-۱.
- بهرنگی، محمدرضا. (۱۳۸۷). *مدیریت و مدیریت آموزشی*، تهران: کمال تربیت.
- تقوی دامغانی، سید رضا. (۱۳۷۸). *نگرشی بر مدیریت اسلامی*، تهران: نشر بین الملل.
- تولایی، روح الله. (۱۳۸۶). *الگوی برای شناخت مدیریت اسلامی*، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال چهارم، شماره ۱۱، صص ۷۱-۵۳.
- جاسبی، عبدالله. (۱۳۷۸). *مباحثی از مدیریت اسلامی*، تهران: مرکز انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، جلد اول.
- چاوشی، سید کاظم. (۱۳۸۸). *بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی*، فصلنامه تخصصی پژوهشهای میان رشته ای قرآنی، سال اول، شماره دوم، صص ۵۳-۴۳.
- حیدری تفرشی، غلامحسین. (۱۳۹۰). *چرا رویکرد مدیریت قرآنی در جامعه نهادینه نمی شود؟*، فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، شماره هفتم، صص ۳۶-۱۹.

- حیدری تفرشی، غلامحسین. (۱۳۸۶). **مبانی سازمان و مدیریت**، اراک: نشر نویسنده.
- حیدری تفرشی، غلامحسین. (۱۳۸۶). **مدیریت اسلامی**، اراک: نشر نویسنده.
- حیدری تفرشی، غلامحسین. (۱۳۸۹). **الگوهای مدیریت در اسلام و قرآن**، فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، شماره سوم، صص ۳۰-۱۳.
- حیدری تفرشی، غلامحسین؛ خدیوی، اسدالله و یوسفی سعید آبادی، رضا. (۱۳۹۰). **تئوری های سازمان و مدیریت در عصر پسامدرن**، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- حمیدی زاده، محمد رضا. (۱۳۷۸). **تبیین نقش پیش بینی و آینده نگری در نظام مدیریت اسلامی**، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۲۰، صص ۹۵-۱۱۲.
- رابینز، استیفان. (۱۳۷۶). **تئوری سازمان (ساختار، طراحی، کاربردها)**، (ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی فرد)، تهران: نشر موج.
- رضا ثیان، علی. (۱۳۸۰). **اصول مدیریت**، تهران: سمت.
- رضائیان، علی. (۱۳۸۳). **تجزیه و تحلیل سیستمها**، تهران: سمت.
- رئوفی، محمدحسین. (۱۳۸۱). **مدیریت عمومی و آموزشی**. مشهد: نشر روان مهر.
- زاهدی، شمس السادات. (۱۳۸۹). **تجزیه و تحلیل سیستم ها**، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- سرمدی، محمدرضا. (۱۳۷۹). **مدیریت اسلامی**، تهران: دانشگاه پیام نور.
- سرمدی، محمدرضا و صیف، محمدحسن. (۱۳۸۷). **مدیریت فرایند آموزش**، تهران: دانشگاه پیام نور.
- صافی، احمد. (۱۳۸۹). **سازمان و مدیریت در آموزش و پرورش**، تهران: ارسباران.
- عسگریان، مصطفی. (۱۳۷۰). **مدیریت اسلامی**، تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
- علاقه بند، علی. (۱۳۹۰). **مقدمات مدیریت آموزشی**، تهران: ارسباران.
- فروزنده دهکردی، لطف الله و جوکار، علی اکبر. (۱۳۸۶). **مدیریت اسلامی و الگوهای آن**، تهران: دانشگاه پیام نور.
- فروزنده دهکردی، لطف الله و ملائی، الهه. (۱۳۸۸). **بررسی نظام ارزشی در مدیریت اسلامی و دیگر مکاتب**، راهبرد یاس، شماره ۱۷، صص ۱۸۷-۱۶۶.
- گلشنی فومنی، محمدرسول. (۱۳۸۲). **جامعه شناسی سازمان ها و توان سازمانی**، تهران: نشر دوران.

- گودرزی، علی اکبر. (۱۳۷۸). بررسی و مطالعه تطبیقی کار کرد های مدیریت از دیدگاه مکتب اسلام و سایر مکاتب، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- مطیعی فر، محمد. (۱۳۸۶). نگرش سیستمی و نقش آن در مدیریت سازمان ها در هزاره سوم، ماهنامه روش، شماره ۱۱۰، صص ۲۳-۱۵.
- معصومی مهر، حمیدرضا، عابدی جعفری، حسن و فروزنده دهکردی، لطف الله. (۱۳۹۰). طراحی و تدوین الگوی شناخت موانع تحقق مدیریت اسلامی در سازمان ها، دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۱۹، شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۰۳.
- میر سپاسی ناصر. (۱۳۸۱). مدیریت استراتژیک منابع انسانی و روابط کار، تهران: میر. نبوی، محمدحسین. (۱۳۸۰). مدیریت اسلامی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- نجات بخش اصفهانی، علی و شهریار، بهاره. (۱۳۸۸). مقایسه ویژگیهای مدیریت از دیدگاه قرآن کریم با مدیریت از دیدگاه تئوریهای غربی، فصلنامه تخصصی پژوهشهای میان رشته ای قرآنی، سال اول، شماره دوم، صص ۸۰-۷۳.
- نیاز آذری، کیومرث، تقوایی یزدی مریم، م و نیاز آذری، مرضیه. (۱۳۸۹). نظریه های سازمان و مدیریت در هزاره سوم، تهران: مهرالبین.